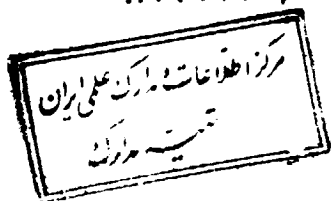


۲۰ / ۱۰ / ۱۳۷۹



رساله نهایی جهت دریافت کارشناسی ارشد

عنوان:

برخوانی مجموعه سینمایی آزادی

استاد راهنما:

مهندس محسن پدیدار

۹۱۳۹ -

استاد مشاور:

مهندس خاتمی

جمع آوری کننده:

کامبیز مشتاق گوهری

فروردین ۷۸

۳۱۴۷۱

به پدر و مادرم

۳۱۴۷۱

با یقین دریافتم که هیچ کس نمی تواند به فساد هر دانشی پی ببرد مگر اینکه آن دانش را نیکو بیاموزد و با داناترین آن دانشی برابری کند. سپس به دامنه معلوماتش بیفزاید و از مرزهای علمی آنان درگذرد و به حقیقت هایی دست یابد که طرفداران اصلی آن علم هنوز نتوانسته اند به کنه آن دست یازند هر گاه چنین امکاناتی میسر شد شخص می تواند به نقد آن دانش پردازد.

ابو حامد غزالی «شک و شناخت»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	تبیین اهداف ارزشی طرح
۱۳	تبیین اهداف کالبدی طرح
۱۸	گفتمانی در باب الگوهای مطلوب
۲۷	تبارشناسی سرشت موجودات زنده
۲۷	طبیعت طبیعت
۳۱	منطق موجودات زنده
۴۱	بی قاعده‌گی فیزیک خرد
۴۶	بی نظمی سازمان دهنده
۴۷	در آغاز کنشی بود
۴۹	سازمان تولید عمل
۵۰	موجودات فیزیکی سازمان دهنده
۵۰	از سیرنتیک تا سازمان ارتباطی
۵۳	منشاء بیونیک
۵۹	رابطه بیونیک با سیرنتیک
۶۴	مفاهیم ساختاری هنر فیلم
۹۰	شناسایی و بررسی اولیه
۹۱	شرایط اقلیمی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۵	شرایط فیزیکی و عوارض محدوده طرح
۹۶	تعریف کلی ساختمانهای بلند
۹۸	نکات منفی ساختمانهای بلند
۹۸	نماد نمود بلند مرتبه
۹۹	تأثیرات عوامل محیطی
۱۰۳	حمل و نقل
۱۰۴	قابلیت انعطاف در بهره برداری
۱۰۴	ورودی‌ها و خروجی اضطراری
۱۰۵	فضاهای مورد نیاز طرح
۱۰۶	فهرست فضاهای مورد نیاز
۱۰۶	سالن‌ها
۱۰۷	فضاهای تجاری
۱۰۷	فضاهای خدماتی
۱۰۷	فضاهای اداری و تخصصی
۱۰۸	نمایشگاه
۱۰۸	فضاهای ارتباطی و عمومی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰۹	سایر فضاها
۱۰۹	سازه
۱۱۷	خاک
۱۲۲	عناصر و فضاهاى مورد نیاز
۱۴۷	مسائل اجرایی ساختمان
۱۴۹	سیستمهای تاسیسات حرارتی، برودتی و تهویه (مکانیکی)
۱۶۵	سیستمهای تولید حرارتی
۱۷۰	سیستمهای پیشنهادی حرارتی، برودتی و تهویه فضاها
۱۷۴	تاسیسات بهداشتی، آتش نشانی و تجهیزات جنبی مجموعه
۱۸۲	تابلوهای راهنما
۱۸۳	چشم انداز شبانه
۱۸۴	مصالح مصرفی
۱۹۰	جمع و دفع فاضلاب
۱۹۲	سیستم گاز رسانی
۱۹۳	تجهیزات جنبی مجموعه روشنایی
۱۹۶	تئوری روشنایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۰۲	انتخاب نوع چراغها
۲۰۵	کابل کشی تجهیزات
۲۱۳	تهویه
۲۱۵	سیستم اتصال زمینی حفاظتی
۲۱۵	سیستم برق‌گیر
۲۱۶	تامین برق اضطراری برای فضاهاى مورد نیاز
۲۱۷	اکوستیک
۲۱۹	انعکاس صوت
۲۳۱	سیستم صوتی و پیام‌رسانی
۲۳۵	سیستم اعلام حریق
۲۳۹	سیستم تلفن مرکزی

مقدمه

خبر آتش گرفتن سینما آزادی و شهر قصه بر اثر سانحه آتش سوزی در ساعت ۲۱/۱۵ دقیقه بعد از ظهر جمعه ۲۹ فروردین ۷۶ نه تنها برای دوستداران فرهنگ و سینما، بلکه برای سایر اقشار جامعه خبری تاسف بار بود.

در خصوص آتش سوزی سینماهای آزادی و شهر قصه علاوه بر تاسف یک نگرانی جدی دیگر نیز وجود داشت و آن شایعه تبدیل شدن این زمین به پاساژ بود. در این گیرودار، پخش خبر گزارى یک مسابقه طراحی برای ایجاد هفت سالن سینما در محل سابق سینما آزادی شدت این نگرانی را کاهش داد.

موسسه توسعه مراکز فرهنگی (وابسته به حوزه هنری) مسئول برگزاری این مسابقه معرفی، جزواتی تهیه و به همراه فرمهای شرکت در مسابقه به شرکت کنندگان داده شد. و بدین ترتیب اولین مسابقه معماری جدی با امکان مشارکت دانشجویان و تمامی اصحاب فن ایرانی در سطح بین المللی بر نامه ریزی شد، هدف چنانکه تصریح شد ایجاد بزرگترین و مجهزترین مجموعه سینمایی کشور شامل هفت سالن نمایشی بود.

روزهای سوم و چهارم آبان ماه ۱۳۷۶ جهت دریافت طرحها به دبیرخانه مسابقه در نظر گرفته شد. آنچه در این مسابقه چشمگیر بود حضور بی سابقه دانش آموختگان جوان در رقابت بود.

روزهای دهم لغایت پانزدهم آبان ماه جهت انجام داوری در نظر گرفته شده بود و سرانجام هیئت داوری اسامی سه نفر اول و نفرات بعدی را در اعلانهایی معرفی کرد. مسابقه

بین نفرات اول تا سوم وارد مرحله دوم گشت.

نگارنده خود از شرکت کنندگان این مسابقه بود که به‌همراه یک تیم طراحی اقدام به ارائه خواسته‌های این مسابقه کرده بود، و از نزدیک در جریان مراحل مقدماتی و نهایی تحویل کارها بود و از شور و شوق جمع کثیر جوانان شرکت کنند به‌رَدای وافر برده بود. مدت‌ها بعد که خواسته‌ها، عنوان و ابعاد گسترده شرکت همگان خود را در آن مسابقه مرور می‌کرد، آنرا موضوعی مناسب جهت پایان نامه خود یافت و جهانی مختلف را برای این مهم لحاظ کرد. از جمله ثبت چنین رویدادی در یک فضای اکادمیک، امکان بررسی پیشنهادهای کالبدی متفاوت، امکان ارائه راهبردهای خاص طراح در جهت بر آوردن نیازمندیهای طرح، امکان ارتباط متقابل با دیگر همگان به جهت درگیر بودن تعداد کثیری از آنان با جریان طراحی و تحویل این مسابقه و قسن علیهذا....

و از طرفی جهانگیر شدن این صفت هنر آفرین و رسالتی که در چنین دوردای از زمان بر عهده آن گذارده می‌شود و توفیق سینماگران هموطن در ارائه منظردهای بدیعی از توانایی‌های این هنر، علاقمندی نگارنده به این بدایع او را متقاعد ساخت که این عنوان به نیکی سوژه‌ای مناسب خواهد بود جهت لطائف الحیلی که نگارنده در پروسه طراحی بکار خواهد بست تا بهترین تدبیر را جهت خلق فضایی متناسب بیاندیشید. لازم به توضیح نیست که این مرحله از طراحی و پیشنهادهای ارائه شده به هیچ وجه به طراحی‌های پیشنهادی آبان ۷۶ نسبت نمی‌برد و تجربه‌های هستند یکه و منحصر به این دوران.

دیگر اینکه طراح و نگارنده این سطور خود از محبت‌ها و تشویق‌های معلمین و دوستان با

ذوق خود بی بهره نبود که از همگان به نیکی یاد می‌کند و امیدوار است توانسته باشد با این

مجموعه حق مطلب را ادا کند.

آبان ماه ۱۳۷۷

۱- تبیین اهداف ارزشی طرح

بنای چنین ساختمانی با ابعاد و مشخصات مندرج در کتابچه مسابقه مشخصاً تصریح می‌کند که اراده ارباب معرفت و اصحاب فرهنگ بر این قرار گرفته که در جهت جبران ضایعه آتش سوزی فضایی در خور با ابعادی چشمگیر را جایگزین کنند (شاید علل اصلی ضایعه و ندانم کاریهای مربوطه را بتوان فراموش کرد) و لاجرم از قبل چنین نوازشی حیطة فرهنگ این سرزمین کهن جانی تازه بگیرد. لذا اهداف فرهنگی چنین اقدامی را از پیش چنین تنظیم و به اطلاع رسانیده بودند که چنین است:

- ایجاد یک مجموعه فرهنگی نمونه از نظر معماری

- کمک به اعتلای فرهنگ معماری کشور

- تشویق رسمی عادلانه و اگذاری طرح فضاهای عمومی از طریق دعوت عام

- شناسائی و مطرح کردن استعدادهای ناشناس و شناخته نشده ایرانی

- کمک به پیدایش جریانهای نوین و اصل معماری از طریق برگزاری نمایشگاهی از

طرحهای ارائه شده

- داوری بیطرفانه و تخصصی طرحها با همکاری جمعی از متخصصان برگزیده

ایرانی و خارجی

و در جایی دیگر تصریح کرده‌اند که:

مقوله فرهنگ در واقعیت سیاسی - اجتماعی امروز ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است، لذا بعد فرهنگی این مجموعه که اصولاً دارای کاربری فرهنگی نیز است اهمیتی

مضاعف می‌یابد. اگر چه کشور ایران دارای پیشینه معماری بسیار برجسته‌ای است لیکن در دوره معاصر بندرت اثر ارزنده‌ای ساخته شده که بتواند در مقیاس جهانی بحث جدیدی را مطرح کند. (در اینجا نگارنده آرزو می‌کند که هیئت برگزاری در برآوردن این مهم به موفقیت نائل شده و معماری معاصر ایران از این بلیه راهایی بخشند.) هدف این مسابقه دست‌یابی به طرحی بدیع و اصیل است که در عرصه بین‌المللی بتواند هم سطح آثار برجسته قرار گیرد. حفظ سطح بین‌المللی ساختمان مجموعه سینمایی از نظر طراحی و اجراع با توجه به شهرت جهانی سینمایی ایران جزء ضروریات است. این موسسه امیدوار است مسابقه مجموعه سینمایی آزادی از نظر شیوه برگزاری مسابقه و خصوصاً کیفیت معماری طرح برگزیده به الگویی برای ایجاد فضاهای فرهنگی آینده در سطح کشور تبدیل شود و به گونه‌ای برای ایجاد فضاهای فرهنگی آینده در سطح کشور تبدیل شود و به گونه‌ای باشد که از همه جنبه‌های فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی در محدوده یک بنای فرهنگی تا سالهای متمادی برای همه اقشار جامعه دارای پیام مثبت باشد و بتواند در آتیه همه اقشار را به ایجاد فضاهای فرهنگی نوین تشویق سازد.

در اینجا نگارنده توفیق الهی را جهت موفقیت این برادران برای اعتلای فرهنگ معماری مملکت از خداوند بزرگ مسئلت می‌کند و آرزو می‌کند که همه آرزومندان فارغ از کیفیت آرزو و میزان مساعی به آرزوهای حقّه خویش نائل شوند.

اما معقوله فرهنگ بحثی دیگر است و پرداختنی از نوع دیگر می‌طلبد. چنین بلند همتی تحسین برانگیز است اما تصور اینکه چنین واقعه‌ای بتواند به طرفه العین آثاری چنان

چشمگیر داشته باشد دور از واقع بینی خواهد بود. زیر ساخت‌های فرهنگی و چگونگی

شکل‌گیری و نمو شان انچنان مقوله پیچیده‌ای است که نمی‌توان بدین سادگی حکمی کلی را

شاملشان ساخت و

بالتبع با طراحی چنین عمارتی انتظار تغییراتی چشمگیر در توده مردم داشت. اما بدیهی است

که برای آشنائی با مقولات فرهنگی که روزگار معاصر عرصه نمود. آنها لازم است بنیانهای

خرد باوری مدرن را بررسی کنیم. خرد ابزاری و بنیان خرد باوری مدرن، هر محصول

فرهنگی را چون کالا تولید می‌کند و بنا به همان منطقه آشنای بت و ارگی کالاها - در محصول

فرهنگی نیز جهان بازگونه شکل می‌گیرد: آثار فرهنگی و هنری همچون پیوست قوانین بازار

آفریده می‌شوند اما ادعای استقلال از مناسبات تولیدی دارند. سند فرهنگ، تکنولوژی و نتایج

خرد ابزاری را بکار می‌گیرد تا سلطه سرمایه را گسترش دهد سازماندهی سرمایه دارانه

تولید و نظام اقتصادی و اجتماعی استوار بر مالکیت خصوصی ابزار تولید و رقابت و سود

خواهی، امکان تحقق نیروهای آفرینشگر ذهنی و معنوی را از میان می‌برد. پس از آنچه در

پس پرده فرهنگ در دوران مدرن می‌گذرد چنین به سادگی قابل تغییر و پی‌گیری نیست.

پل آدرنو و هانس هورکهایمر در دیالکتیک روشنگری در مقوله فرهنگ از برنامه‌های

رادیویی و تلویزیونی یاد کردند، و بویژه «فیلم سینمایی» مثال آوردند که «کارکرد ذهن

تماشاگر و مخاطب را نیم خود کار می‌کنند، ذهن او را در اختیار خود می‌گیرند، و هیچ راهی

برای خیال‌پردازی نمی‌گذارد» و حتی تماشاگر را دچار این توهم می‌کنند که «کار فهمیدن

چیزی هست» از توان آفریننده‌اش (و از نیروی معنوی درونیش) بیخبر می‌ماند، و به

موفقیت‌های تکراری، کلیشه، جزمها و روایت‌های استاندارد و تک معنایی خود می‌گیرد. هر چیز تازه نفرت آور می‌شود و عادت‌های کهن بجا می‌مانند.

هرچند همواره فرض می‌شود که با زوال اندیشه مسیحی، رشد تکنولوژی و تنایزهای اجتماعی، و سست شدن و از میان رفتن بسیاری از نهادهای پیش سرمایه داری، آشوب فرهنگی از میان خواهد رفت، اما چنین نشده است. با اینکه هرگز فرهنگ چنین متحد، درهم شده و ایدئولوژیک نبود، آشوبی چنین گسترده را نیز پیش‌تر ششاهد نبوده است.

«فرهنگ اکنون مهری یکسان به همه چیز می‌گوید - سینما، رادیو و نشریه‌ها نظامی می‌سازند که متحد است، درست همچون یم گل» فرهنگ آشکار را به یک صفت تبدیل شده است و از قوانین تولید در بازار کالاها پیروی می‌کند. از این رو، درست همچون تولید صنعتی به «هماهنگی دروغین مورد کلی و مورد خاص» تکیه دارد. هنر در بنیان خود این «همه‌هنگی» را نمی‌پذیرد، به این دلیل ساده که آنرا دروغین می‌یابد. اکسپرسیونیسم «آیین هنری که آدورنو با دقت و از نزدیک تکاملش را در شاخه‌های گوناگون بیان هنری دنبال کرده بود» هیچ نیست مگر «واکنش به وحدت ارگانیک و آن هماهنگی درونی که ادعا می‌شود».

هنر توده‌ای و «محصولات صنعت فرهنگ» تمایزهای درونی میان عناصر جمع را بر نمی‌تابند. همه باید به لحظه‌های غمگین یک ملودرام بگرینند، از «پایان شاد» یک فیلم خوشحال شوند، و بپذیرند که راز دشواریها ۷ ناکامی‌ها و شکست‌ها در «طبیعت» و نهاد انسانی نهفته است و چندان ارتباطی به نابرابری‌ها اجتماعی ندارد، خلاصه همه باید به احکام علم آداب حقیر و اخلاق نازل بورژوازی تن دهند.

به نظر آدورنو و هورکهایمر صنعت فرهنگ تحقیق اجتماعی شکست اندیشه است. وحدتی خیالی می آفریند که آدورنو به طراحی سرکوبگر غرایز و از میان برنده شرایط رهایی راستین انسانی خوانده است. بنا به این وحدت (و در این وحدت) چنین می نماید که مانع درهم شدن فرهنگ و زندگی عملی و هر روز از میان رفته است، و جهان تجربی به گونه ای دروغین با زیبایی شناسی همراهِ یا یکی شده است. هر کسی خود را به جای قهرمان فیلم می گذارد، و در لذتها و موفقیت های او شریک می شود، هر کسی با عواطف قلبی و کلیشه ای که در ترانه های بازاری می شنود هم آوا می شود و همگان تحقق خواست های هر روز خود را به معنای «زیبا شدن زندگی» می پندارند.

«مقاله ای در طرح صنعت فرهنگ» تیره ترین نوشته آدورنو است، چرا که اینجا نویسنده حتی هنر مدرن را (همواره از آن در برابر صنعت فرهنگ و هنر توده ای دفاع می کرد) در کارکردهای نهایی فرهنگ توده ای شریک می داند. او که بارها در آثارش (بویژه در فلسفه موسیقی مدرن) هنر مدرن را ستوده بود، و می گفت که این هنر «علیه آن کل گرایی، و باور به تمامیت دروغین» ایستاده است. در این مقاله می نویسد که این مقاومت، چنان مطرود و منزوی شده و تا آن حد به حاشیه رانده شده که دیگر نمی تواند کارکردها و کارآیی های هنری متعالی را داشته باشد.

اکنون به یکی از سرچشمه های بحث آدورنو و هورکهایمر در باره صنعت فرهنگ توجه کنیم. گئورگ سیمل در آستانه سده بیستم (۱۹۱۱ - ۱۹۰۰) نوشته بود که «فرهنگ فردی» که او آن را «فرهنگ سوپزکتیو» نیز می نامید، از «فرهنگ جمعی» یا فرهنگ ابزکتیو جدا